



A Comparative study of the Reflection of Continental and Rural Traits in Novels *"Scorched Earth"* by Ahmad Mahmoud and *"Malekat Al-Enab"* by Najib Al-Kilani

Hayedeh Azimoghli Oskooi¹, Hojjat Rasouli^{2*}, Seyyed Ebrahim Arman³

Abstract

Continental literature is one of the important sub-branches of fiction has influenced the social and political developments of most societies. Najib Al-Kilani and Ahmad Mahmoud, two great contemporary Persian and Arabic writers including committed writers based on indigenous culture, addressed the problems of society and their minds for solutions in the form of their stories. The story *"Malekat Al-Enab"* (*Grape Queen*) is one of the noble works of Kilani about a village with hope and suffering along with the contemporary historical developments of Egypt in the middle of the twentieth century. The story of *"Scorched Earth"* by Ahmad Mahmoud is also depicted as a socio-historical plan of the events of the war and the reflection of the southern climate and the suffering of the people by mastering the scenes in a realistic style in the eyes of the critic. The importance of studying this issue becomes clear when many economic and social problems were solved in the development of Islamic societies. The present study has investigated and evaluated the characteristics of influential climatic and indigenous elements in the two novels with a comparative approach. The results of this study: Achieving effective climatic and indigenous elements in the mentioned novels is necessary for the goals of sustainable development.

Keywords: Continental literature, Najib Al-Kilani, Malekat Al-Enab (Grape Queen), Scorched Earth, Ahmad Mahmoud

1. PhD student, Department of Arabic Language and Literature, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

3. Associate Professor of Arabic Language and Literature Department, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

How to Cite: Azimoghli Oskooi H, Rasouli H, Arman SE., A Comparative study of the Reflection of Continental and Rural Traits in Novels "Scorched Earth" by Ahmad Mahmoud and "Malekat Al-Enab" by Najib Al-Kilani, *Journal of Comparative Literature Studies*, 2023;17(67):380-402.



بررسی تطبیقی بازتاب ویژگی‌های اقلیمی و روستایی در رمان‌های: «زمین سوخته» اثر احمد محمود و «ملکه العنب» اثر نجیب کیلانی

هایده عظیم اوغلی اسکوئی^۱، حجت رسولی^{۲*}، سیدابراهیم آرمن^۳

چکیده

ادبیات اقلیمی و روستایی به عنوان شاخه‌ای از ادبیات به بیان ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی و تحولات اجتماعی منطقه خاصی می‌پردازد و در ادبیات اکثر کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دو نویسنده بزرگ معاصر فارسی و عربی، از جمله نویسندگان متعهد با اتکا به فرهنگ بومی، مشکلات جامعه را مطرح نموده و اذهان را برای چاره‌جویی و درک آن‌ها در قالب داستان‌های خود فرا می‌خوانند. داستان «ملکه العنب» از آثار نجیب کیلانی در مورد روستایی با امید و رنج در امتداد تحولات تاریخی معاصر مصر در اواخر قرن بیستم است. اهمیت این رمان زمانی آشکار می‌شود که به شاخصه‌های روایت واقع‌گرا نزدیک و برگرفته از سلسله حوادثی است که در بطن جامعه رخ داده است. «زمین سوخته» اثر احمد محمود نیز به عنوان یک سند اجتماعی-تاریخی از وقایع جنگ و انعکاس اوضاع اقلیم جنوب و مصائب مردم با چیره‌دستی در صحنه‌های نمایش داستان با سبک واقع‌گرا در نگاه نویسنده نقاد به تصویر کشیده است. ضرورت و بررسی این موضوع زمانی آشکار می‌شود که در صورت توسعه و پیشرفت جوامع اسلامی بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی نیز در این جوامع حل می‌شد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی از محدوده مورد مطالعه به بررسی و ارزیابی عناصر اقلیمی با روش کیفی پرداخته است. ابتدا منابع اولیه در حیطه‌های جغرافیایی و محلی استخراج شده و در ارتباط با پیامدهای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل

۱. دانشجوی دوره دکتری، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

ایمیل: h-rasouli@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: حجت رسولی

از این پژوهش جهت دستیابی به عناصر اقلیمی و بومی تأثیرگذار بمنظور اهداف توسعه پایدار لازم و ضروری است.

واژگان کلیدی: ادبیات اقلیمی، احمد محمود، زمین سوخته، نجیب کیلانی، ملکه العنب

مقدمه و بیان مسئله

موقعیت جغرافیایی به عنوان یکی از عوامل اساسی در ایجاد تمایزهای سبکی و تفاوت در تکنیک‌های هنری و پدید آمدن حساسیت‌های خاص در جهان‌بینی‌ها، موجب تفاوت در خاستگاه‌های اقلیم نویسندگان به شمار می‌رود. از جمله نویسندگان فعال مکتب جنوب احمد محمود در ادب داستان‌نویسی معاصر ایران نقش مهمی داشته است. «زمین سوخته» نخستین رمان بعد از وقوع جنگ تحمیلی ایران و عراق با تکیه بر روایت زنده و گفتگوی صادقانه، بدون اینکه خواننده احساس ساختگی یا پیچیدگی کند، به تبیین و تأثیر عناصر اقلیمی و بومی در آثار خود پرداخته بود. شخصیت‌های داستانی او معمولاً وجهه مردمی و عام‌گرا دارند، در اغلب آثارش از یک شیوه روایی واحد و کمابیش یک‌دست استفاده می‌کرد، محمود قصه جنوب را ماندگار کرده است. همچنین نجیب کیلانی از جمله نویسندگان پیشتاز ادب اسلامی در زبان عربی است و شاخصه‌های جغرافیایی، اجتماعی و اخلاقی غالباً در داستان‌های او دیده می‌شود. رمان «ملکه العنب» توصیف واقعیت جامعه تقابل مدرنیته و سنت، باورهای روستاییان از یک سو و نقش واعظان مذهبی در امور دینی و مسائل اجتماعی و سیاسی کشور را از سوی دیگر نشان می‌دهد. او با خلق فضای حساس در رمان خود مانند نقش سرمایه‌داری مصری پس از باز شدن درهای اقتصاد کشور (در اواخر قرن بیستم) و مشکلات اجتماع خود، همانند اشتغال جوانان مصری در خارج از کشور و جنگ خلیج فارس پرداخته است. همه این رویدادها کافی بود تا کیلانی با دیدگاهی فراتر از مرزهای اقلیم خود، مسائل بومی و اجتماعی در داستان‌های خود را منعکس نماید. لزوم بازگشت به سنت‌ها و توجه به اصالت‌ها، از مؤلفه‌های رمان‌های خود قرار داد. او هنرمندانه در داستان خود روستا را نمادی از تحولات سیاسی و اجتماعی امروز جهان عرب یا کل جهان اسلام به نمایش درآورد. با گذشت دو دهه از وفات او نه تنها این تحول اجتماعی به عنوان «بهار عربی» سرزمین مصر را تحت‌الشعاع خود قرار داد، بلکه دیگر کشورهای عربی هم تأثیرگذار بوده است. نویسنده و ادیب معاصر معروف عرب «حلمی محمد القاعد» درباره روایت نجیب کیلانی معتقد است: «با وجودی که بیشتر روایات نجیب کیلانی در روستایی ساده و دور افتاده اتفاق می‌افتند، اما حضور قوی در تکلم، طرز تفکر و تصویری که شخصیت‌های روایت‌های او با آن روبه‌رو هستند را به

نمایش می‌گذارند. این حضور قدرتمند از نشانگر دیگری برای روستا خبر می‌دهد و برای کل ملت با دغدغه‌ها، مبارزات و آرزومندی‌ها به یک سمبل عمومی تبدیل می‌شود (القاعد، ۱۹۹۴م: ۲۸). احمد محمود و نجیب کیلانی با تصاویر واقع‌گرایانه از منطقه جغرافیایی در رمان‌های خود به گونه‌ای رئالیستی، بازتاب واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی را در قالب داستان به صحنه نمایش درآوردند. با توجه به رویدادهای جوامع اسلامی، وقوع جنگ‌های دامنه‌دار، انقلاب و کودتاها موجب چالش‌های قومیتی، سیاسی و اجتماعی فراوانی در این منطقه شده است؛ بسیاری از این مشکلات با توجه به پیشرفت منابع طبیعی و رشد فعالیت اجتماعی، در جوامع اسلامی حل می‌شد.

اهمیت و بیان مسأله تحقیق

در رمان «ملکه العنب» کیلانی همان طور که به مشکلات روستا می‌پرداخت، تصاویر زیبا و دقیق از آن را به خوبی مجسم نمود و به وطن و منطقه خود و همچنین روستایی که در آن زندگی می‌کرد، وفادار بود. او بسیاری از حوادث و شخصیت‌های داستان خود را به جریان درآورد و آن را نماد انسان، ارزش‌ها، سرزمین و همه ملت قرار داد. همچنین احمد محمود در رمان «زمین سوخته» درباره مشکلات بومی منطقه خود سخن گفت و با مردم همدردی نمود و تراژدی مشخصه‌های بارز آن‌ها را به تصویر کشید. این تحقیق از چند نظر جدید و دارای اهمیت است. ابتدا به شناخت تأثیر عناصر اقلیمی و بومی در آثار این دو نویسنده تأثیرگذار در ادبیات داستانی پرداخته است؛ از سوی دیگر، در صورتی که وضعیت روستاهای جوامع اسلامی توسعه یابد، بسیاری از مشکلات اشتغال و مهاجرت مردم روستا به شهرها و عدم توسعه و پیشرفت حل می‌گردد. این پژوهش هم در همین راستا در جهت شناخت ویژگی‌های اقلیمی و اجتماعی در جوامع اسلامی که بازتاب آن‌ها در تحولات اقتصادی و سیاسی - که امروزه در کشورهای اسلامی دیده می‌شود - سال‌ها بعد از حیات این دو نویسنده (احمد محمود و نجیب کیلانی) اتفاق افتاده را نمایان می‌نماید. بنابراین اهمیت تحقیق در این موضوع ضرورت پیدا می‌کند. در واکاوی از آثار احمد محمود و نجیب کیلانی مسأله‌های مورد نظر که در پژوهش به وجود آمده و مورد بررسی قرار می‌گیرد، شامل این موارد می‌باشد:

- ۱- مضامین مرتبط با عناصر اقلیمی و بومی در رمان‌های «زمین سوخته» اثر احمد محمود و «ملکه العنب» اثر نجیب کیلانی چیست؟
- ۲- شیوه تأثیرگذاری شاخصه‌ها و عناصر اقلیمی بر داستان‌های دو نویسنده چگونه بوده است؟

اهداف تحقیق

۱. نجیب کیلانی و احمد محمود هر دو داستان‌نویس قالب قصصی را برای بیان ضعف اوضاع اجتماعی، سیاسی جامعه خود برگزیدند.
۲. شناخت عناصر اقلیمی و بومی و عوامل تأثیرگذار در رمان‌های «ملکه العنب» و «زمین سوخته» به منظور بالا بردن قدرت درک و تحلیل عموم نسبت به ادبیات داستان‌نویسی معاصر ایران و مصر به ویژه آثار احمد محمود و نجیب کیلانی را فراهم می‌سازد.

پیشینه تحقیق

آثار منتشر شده در خصوص رمان‌های «زمین سوخته و ملکه العنب» از حوزه نقد و بررسی آثار نویسندۀ، یا ادبیات تطبیقی با یک اثر نویسندۀ در جنبه‌های دیگر فراتر نمی‌رود. پژوهش‌هایی با دیدگاه‌های دیگر به ابعاد و جنبه‌های حیات یا آثار این دو رمان‌نویس معاصر پرداختند، پیشینه‌هایی همچون مقاله «تحلیل چند رمان واقع‌گرا در عرصه دفاع مقدس (با تکیه بر سه رمان زمین سوخته، ترکه‌های درخت آلبالو و سفر به گرای ۲۷۰ درجه) از غلامرضا پیروز، مهدی خادمی کولایی، حسین حسن پور آلاشتی، زهرا مقدسی، رمان‌های واقع‌گرا بر اساس دفاع مقدس است. کتاب (زمین سوخته) از احمد محمود (۱۳۶۱) توصیف رئالیستی داستان پرداخته و «ترکه‌های درخت آلبالو» (۱۳۶۸) از اکبرخلیلی و احمد دهقان در رمان «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (۱۳۷۵) به بررسی و مقایسه عناصر سه رمان با یکدیگر است. با محتوای این پژوهش ویژگی‌های اقلیمی متفاوت است. مقاله «أسالیب السرد فی روایة ملکه العنب لنجیب الکیلانی» در مورد روش‌های اسلوبی در داستان (ملکه العنب) از دانشگاه ابوبکر بلقاید الجزایر، تهیه‌کننده: محمد‌الأمین یزید سال ۲۰۱۵م، به زبان عربی در مورد انواع روایات متقدم، تابع و انواع ضمیر و اسلوب قصه‌نویسی است که با نوع این تحقیق "ویژگی‌های اقلیمی و روستایی" تفاوت دارد. کتاب «لایحاه الإسلامی فی أعمال نجیب الکیلانی القصصیة»، عبدالله بن صالح العرینی، عضو رابطۀ الأدب الإسلامی العالمیة انتشار اول سال ۱۴۰۹ق مؤسسه دارالکنوز اشبیلیا-الریاض، که نویسندۀ صالح عرینی، در همان مقدمه کتاب خود بیان می‌نماید: «روزی که داستان «عماقۀ الشمال» از نجیب کیلانی را خواندم، دریافتم حلقه گم شده در داستان‌نویسی اسلامی در حیطة او است و از داستان‌هایش هدفی دارد» (العرینی، ۲۰۰۵م: ۵). به دیوان‌های شعری و داستان‌های تاریخی و نمایشنامه‌های کیلانی پرداخته است. با محتوای داستان «ملکه العنب» مرتبط نمی‌باشد. تفاوت این پژوهش، استخراج ویژگی‌های اقلیمی و روستایی رمان «زمین سوخته» اثر احمد محمود از یک سو و تحلیل و تطبیق با رمان «ملکه العنب» اثر نجیب کیلانی از سوی دیگر می‌باشد. همچنین بررسی ادب داستانی این دو نویسندۀ صاحب سبک

و پیش‌تاز در ادبیات داستانی معاصر ایران و مصر (احمد محمود و نجیب کیلانی) از نظر ادبیات اقلیمی و بومی پژوهشی جدید است.

بحث و بررسی

ویژگی‌های ادبیات اقلیمی

در زبان لاتین معمولاً به داستان‌هایی که رنگ اقلیمی و بومی دارند به نام (Novel Regional) خوانده می‌شوند. و به نظر مارتین گری، رمان محلی، رمانی است که «تأکیدش بیشتر بر جغرافیا، آداب و رسوم و گفتار محلّ خاصی است و دربارهٔ آن محل، بیشتر توضیح جدی می‌دهد تا اطلاعات پیش‌زمینه‌ای صرف» (گری، ۱۳۸۲ ش: ۲۷۲). البته می‌توان ادبیات اقلیمی را از لحاظ هویت جغرافیایی به دو شاخه تقسیم کرد: شاخهٔ فیزیکی که شامل آب و هوا و گیاهان و نوع خاک و پستی و بلندی هر منطقه می‌شود و دیگری شاخهٔ انسانی که شامل مسائل فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم است (Abrams, 2009: 107). به اصطلاح دیگری برای داستان اقلیمی می‌توان اشاره نمود: «در صحنه و زمینه‌های داستانی که در آن‌ها غالباً آداب و رسوم و سنت‌ها، فولکلور، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها و حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شوند، به گونه‌ای این عناصر، متمایز و مشخص کننده یک اقلیم خاص می‌باشند. (Baldick, 1990: 142). ادبیات اقلیمی نوعی از ادبیات را نشان می‌دهد که خصوصیات جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ناحیهٔ خاصی را بیان می‌کند. به گونه‌ای که بتوان میان این منطقه با سایر مناطق تفاوت قائل شد (جعفری، ۱۳۸۲ ش: ۱۴۰).

در این مقاله، پس از معرفی اجمالی دو داستان، به شناخت و بررسی مضامین عناصر اقلیمی و بومی آثار نجیب کیلانی و احمد محمود پرداخته شده است. می‌توان عوامل تأثرگذار ادبیات اقلیمی را بدین ترتیب اشاره نمود: «۱- خانواده ۲- مکان‌های محلی موقعیت جغرافیایی ۳- اعتقادات و آداب و رسوم ۴- خرافات ۵- وضعیت اقتصادی ۶- توصیف پوشش ۷- تحولات سیاسی و اجتماعی ۸- اعتیاد و قاچاق ۹- بیکاری و مهاجرت» (شیری ۱۳۸۷، ۱۷-۱۴).

مروری بر رمان «ملکه العنب» اثر نجیب کیلانی

داستان «ملکه العنب» مشتمل بر ۱۷ فصل متوالی و ۲۰۴ صفحه بر مبنای رمانی واقع‌گرا است و اغلب صفحه‌های ترسیم شده در آن تصویر روشنی از فضای یک روستای کوچک در مصر از فعالیت اقتصادی دختر جوانی است که با دوراندیشی و شجاعت موجب رشد و پیشرفت اقتصادی روستای خود شد. جریان داستان در یک برههٔ زمانی از رویدادهای جنگ خلیج فارس است که نقطهٔ عطف مهمی از

تجربه نویسنده به وقوع می‌پیوندد. حوادث رمان «ملکه العنب» در روستای «الربایعة» مصر اتفاق می‌افتد. ماجرای رمان در مورد دختر جوانی به نام «براعم» است که صاحب مزارع وسیع کشت انگور بود؛ ابتدا مقداری زمین زراعتی در حدود ۴ هکتار که از پدرش به او به ارث رسید را با دوراندیشی و شجاعت توانست به بیش از ۳۰ هزار هکتار افزایش دهد. وی از همان کودکی با مادر و خواهر کوچک‌تر خود به مزارع انگور می‌رفت و به کشت و زرع می‌پرداخت. او اولین کسی بود که زراعت مدرن و علمی، با تکنولوژی جدید در روستا را بر اساس چهارچوب وسیعی وارد کرد. بعد از این که موفق شد زمین‌های زیر کشت را در این مدت چند برابر کند؛ «اتحادیه کشاورزان انگور» در روستای خود را ایجاد نمود و با تاجران بزرگ در خرید محصولات به تفاهم رسید، برای همین به او لقب «ملکه العنب»: (ملکه انگور) را دادند. او فرد بانفوذی در روستا محسوب می‌شد؛ همه مردان و زنان و بچه‌های‌شان «براعم» را می‌شناختند (الکیلانی، ۲۰۱۵م: ۱۰). شخصیت اصلی تأثیرگذار دیگر در این رمان «شیخ محمد حسب‌الله» مردی مؤمن، عالم دینی باثبات و آرامش به دور از تزویر و ستم بود. زمان نوجوانی پدرش فوت شد. برای امرار معاش خود و مادرش وارد مدرسه عالی شد؛ بعد از فارغ‌التحصیل شدن حرفه معلمی را آغاز نمود. شیخ محمد علاقه‌مند به اصول فقهی و دینی بود. معمولاً او خطیب نماز جمعه روستای «الربایعة» بود. سخنرانی‌هایش موجب روشنگری مردم و آشکار نمودن مشکلات فقر روستائیان و حکومت مستبد زمان خود بود. در زمان جنگ خلیج فارس حمله عراق به کویت، جوانی از اهالی روستا که برای کار به عراق رفته بود، هنگام خروج از کویت بدست نیروهای بعثی عراق کشته می‌شود. بعد از سخنرانی شیخ محمد هنگام تشیع جنازه در روستا احساسات خشم مردم بالا گرفت، تظاهرات علیه «صدام حسین» رئیس جمهور وقت عراق و رژیم سرکوب‌گر مصر ادامه داشت؛ تا این که نیروهای نظامی با اسلحه، چماق و گاز اشک‌آور با درگیری نابرابر با تظاهرات‌کنندگان عده‌ای از آن‌ها را دستگیر کردند. از جمله افراد بازداشت شده «شیخ محمد» و یار او «شیخ ابومجد» به همراه تعدادی از اهالی روستا بود. «براعم» همه شبهات در مورد او را منکر شد، وثیقه آزادی معترضان در تظاهرات را پرداخت نمود و افراد بازداشت شده آزاد شدند. در اواخر داستان، شیخ ابومجد در صحبتی با شیخ محمد ازدواج او با «براعم» را پیشنهاد نمود. مراسم عقد به دست ابومجد در مسجد انجام شد (همان: ۲۰۵).

مروری بر رمان «زمین سوخته» اثر احمد محمود

سومین رمان ارزشمند احمد محمود، «زمین سوخته»، واقعات جنگ تحمیلی ایران و عراق را با زبانی ساده و شیوا و بیانی موشکافانه و عناصر بصری به تصویر می‌کشد. این رمان شامل پنج فصل و در حدود ۳۲۹ صفحه است. «احمد محمود» اولین نویسنده‌ای بود که به فاصله کوتاهی از شروع جنگ تحمیلی به سراغ موضوع جنگ رفت (میرعابدینی، ۱۳۷۷ش، ج ۳: ۹۱۰). شروع حوادث رمان به شهر یور

۱۳۵۹ش برمی‌گردد و شهر اهواز مکان وقوع حوادث است. داستان از زبان راوی میان‌سال‌ی که نامش در داستان مخفی است نقل می‌شود، ساکنین شهر اهواز در روزهای آخر شهریور، در آرامش و در جنب و جوش استقبال از سال تحصیلی به سر می‌برند و شایعاتی از دو هفته پیش درباره استقرار و تحرکات نیروهای عراقی در مرزهای خوزستان به گوش می‌رسد که نگرانی‌هایی در میان ساکنان شهر ایجاد کرده است. چند روز بعد، هواپیماهای عراقی، فرودگاه‌های چند شهر ایران را بمباران و جنگ را رسماً آغاز می‌کنند. خبر سقوط چند شهر اطراف و مهاجرت ساکنان آن شهرها به استان‌های نزدیک و دور شروع شد. خانواده پرجمعیت راوی، متشکل از مادری سالمند و برادران و خواهران و بستگان نزدیک، با شدت گرفتن حملات عراق به شهر اهواز و دیگر شهرها، به تدریج در گروه‌های چند نفره عازم تهران می‌شوند. دو برادر راوی به نام‌های «خالد» و «شاهد» به دلیل تعهدات شغلی در شهر باقی می‌مانند. اندکی بعد خالد بر اثر اصابت ترکش گلوله‌های دشمن به شهادت می‌رسد. «شاهد» برادر دیگر راوی که ناظر شهادت «خالد» بود، در سوگ برادر دچار عدم تعادل روحی می‌شود، به همین دلیل، راوی او را به تهران، نزد خانواده می‌فرستد. راوی که تاب و تحمل تنها شدن خانه و خاطرات تلخ را ندارد، به خانه «ننه باران» که در حاشیه یکی از میدان‌های شهر قرار دارد نقل مکان می‌کند. «ننه باران» که به یادگیری کاربرد اسلحه مشغول است و به داشتن فرزندی چون «باران» که به جبهه جنگ عزیمت کرده است، افتخار می‌کند، در نزدیکی میدان شهر برای راوی فرصتی به وجود می‌آید به قهوه‌خانه «مهدی پاپتی» سر زند و بی‌اعتناء به صدای انفجارهای دور و نزدیک و رگبارهای ضد حمله خودی با کسبه و اهل محل به گفتگو بنشینند و در خلال داستان، شخصیت‌های گوناگون، هر یک نماینده قشر خاصی از اجتماع جنگ‌زده اهواز به تدریج به خواننده معرفی می‌شوند و وی را با تبعات گوناگون جنگ آشنا می‌سازند. «محمد مکانیک»، کارگر کارخانه فولادسازی را بر آن می‌دارد که در شهر باقی بماند و آماده دفاع از شهر و خانه خود باشد، «کل شعبان» دکاندار، در بجهوه جنگ فقط به فکر سود و منفعت خویش بوده است، او خود را محق می‌داند تا به ازای ماندنش در شهر زیر گلوله و توپخانه‌های دشمن و تهیه مایحتاج مردم، اقلام خود را به نرخ‌های گران و روزافزون بفروشد و بی‌اعتناء به اعتراض مردم، دکان و خانه «کل شعبان» بالاخره به دست اشراز محله و مردم به ستوه آمده غارت می‌شوند و دزدان خانه‌ها و مغازه‌های مردم به کمک مردم دستگیر و از طریق محمد مکانیک محاکمه خلقی شده و به دست «ننه باران» و «عادل» یکی از جوانان شهر تیرباران می‌شوند. سرانجام، یک روز به راوی خبر می‌رسد که شب باید در خانه خودشان باشد، چون برادرش «صابر» قرار است از تهران به او تلفن کند. حوالی صبح، در حالی که او در خانه خودشان است، محله «ننه باران» مورد اصابت موشک دشمن قرار می‌گیرد. راوی خود را به آنجا می‌رساند و با اجساد اکثر کسانی که در این مدت با آنان آشنا شده است، روبه‌رو می‌شود.

عوامل تأثیرگذار اقلیمی و بومی در داستان «ملکه العنب» و «زمین سوخته»

خانواده

خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در پیشرفت و توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. یکی از این ارکان، نهاد خانواده، علاقه و عاطفه است. در جوامع اسلامی میان اعضای خانواده، معنویت و توجه به آیین‌های دینی و معنوی برقرار است، اما در غرب به لحاظ صنعتی و نظم خشک ارتباط معنوی و عاطفی در بین اعضای خانواده کمتر است. همان طور که در مورد اهمیت خانواده گفته شد، در داستان «ملکه العنب» کیلانی این موضوع را در نقش شخصیت شیخ محمد فرزند «مسعدۀ» در مورد رفتار فرزند نسبت به مادر خود با توجه به آموزه‌های اخلاقی و دینی به تصویر می‌کشد: شیخ محمد در جوانی پدرش را از دست داده و سرپرستی مادر خود را به عهده داشت. با وجود این که به سنّ میان‌سالی رسید، نتوانست ازدواج کند. او در نظر داشت، مادرش را در اداره کارها و مشکلات روزانه در زندگی مراقبت کند و شریک زندگی آینده او این مورد را درک کند (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۵). از سوی دیگر، شخصیت اصلی داستان «براعم» دختر جوانی که در کودکی پدر خود را از دست داده بود و سرپرستی مادر و خواهر کوچک‌تر خود را به عهده داشت، با دوران‌دیشی و پشتکار توانست فعالیت اقتصادی و کشاورزی در روستای خود را گسترش دهد، وقتی مادر «براعم» در مورد ازدواج نکردن او با وجود خواستگاران متعدد می‌پرسید، او در پاسخ می‌گفت: «آیا از انصاف و عدالت است که خواهرم را در این وضعیت ترک کنم و ازدواج کنم؟» اما مادر او که دل‌تنگ آینده فرزند خود بود، بر خواست خود پافشاری نمود. هدف اصلی را برای دخترش ازدواج و تشکیل خانواده و تربیت فرزندان نجیب تصوّر می‌کرد و بعد از آن کار تجارت بدون اخلال به رسالت مادری بانشاط می‌شود» (همان: ۲۰). موضوعاتی که در داستان‌های کیلانی مطرح می‌شدند، در حیطه اصول اعتقادی و اخلاقی نویسنده است. مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده را نسبت به یکدیگر نشان می‌داد. جامعه مصر نیز با بافت سنتی خود و مشکلاتی که در صورت فوت سرپرست خانواده بر دوش اعضای آن سنگینی می‌نماید را متجلی می‌سازد. سبک رئالیستی کیلانی و ارتباط نزدیک خوانندگان با داستان‌های وی نشان از درگیر بودن این نویسنده با موضوعاتی دارد که جامعه به آن مبتلا گشته است.

از سوی دیگر، داستان «زمین سوخته» اقتباسی از یک مقطع پر آشوب تاریخ ایران است. روزهایی است که در پی جنگ ناگهانی و تحمیلی کشور وارد جنگی گسترده و طولانی شد. در این اثر ما شاهد حضور خانواده‌های متعددی هستیم که در واقع از یک دیدگاه کلی، انواع خانواده در داستان را می‌توان به خانواده‌های اصلی و فرعی تقسیم نمود. خانواده راوی داستان از جمله خانواده‌های اصلی است که در ابتدای داستان راوی در خانه پدری با مادری دلسوز به همراه اعضای خانواده با فرزندان‌شان آنجا

زندگی می‌کنند. از دیگر خانواده‌های اصلی در رمان، می‌توان به خانواده «ننه باران» اشاره نمود: زنی میان‌سال و انقلابی شهر اهواز در جریان داستان سیر تکاملی داشته و از یک زن خانه‌دار ساده به یک زن سلحشور تبدیل می‌شود. «ننه باران» کار با اسلحه را یاد می‌گیرد و در شورای محل مشارکت داشته، او برای برقراری عدالت اجتماعی در اجرای محکمه‌های خلقی شرکت دارد. بقیه خانواده‌های مطرح در داستان همچون خانواده محمد مکانیک، فاضل و... غالباً آنان از هنگام اقامت راوی در خانه ننه باران، وارد فضای داستان می‌شوند. و برخی از آنان جز در یک صحنه اثری نمی‌یابیم که جزو خانواده‌های فرعی قرار می‌گیرند.

مکان‌های محلی و موقعیت جغرافیایی

علاقه احمد محمود برای به تصویر کشیدن جغرافیای جنوب و مکان‌های محلی نیز در داستان «زمین سوخته» دیده می‌شود. احمد محمود به عنوان یک نویسنده رئالیست در داستان به دنبال مکان‌های واقعی برای به نمایش درآوردن برشی از اتفاقات زندگی است. مکان‌هایی که او توصیف می‌کند، همگی برگرفته از محیط جنوب هستند. علاقه او برای به تصویر کشیدن جغرافیای جنوب، شامل مکان‌ها و خیابان‌های محلی در روند داستان‌پردازی دیده می‌شود، مانند مکان قهوه‌خانه مهدی پاپتی در رمان «زمین سوخته» از لحاظ زمینه فیزیکی و فضایی چنین توصیف می‌نماید: «قهوه‌خانه مهدی در میدان قناسی است که به شکل قله می‌ماند. از شکم این قله، دو خیابان کم‌عرض با زاویه تند، بیرون می‌زنند. مرکز شورای محل در یکی از این خیابان‌ها است. خیابان دوم تا رودخانه کارون پیش می‌رود. طرف راست میدان، خیابان پهنی است که از کمر قوس برمی‌دارد و انتهایش ناپیدا است.» (محمود، ۱۳۷۸ ش: ۹۴-۹۵). از آنجایی که احمد محمود زاده خوزستان بود، به محل زندگی خود بسیار علاقه داشت. بدیهی است که با آغاز جنگ نمی‌توانست نسبت به ویرانی زادگاه خود بی-تفاوت باشد، زمین سوخته به عنوان یک سند و سرمنشأ رمان‌های جنگی، ضمن انعکاس بسیاری از واقعیت‌های پایداری مردم، این فرصت را به ما می‌دهد تا از لایه‌های پنهان این حادثه تاریخی، اطلاعات بسیاری از وقایع مناطق جنگ‌زده کسب نماییم. خطر تهاجم دشمن به نزدیکی شهر اهواز به ناحیه «کمپلو» (از محله‌های قدیمی شهر اهواز) اشاره نمود. (محمود، ۱۳۷۸ ش: ۲۴).

مکان بعدی که محمود در رمان زمین سوخته بارها به آن اشاره نموده است: سهراب بندر، در حوزه شرق شهر اهواز است و هر مسافری که از استان‌های فارس، اصفهان، کرمان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد و کرمان و یا شهرهای شرقی خوزستان مانند ایذه، رامهرمز، امیدیه، ماهشهر، هندیجان، باغ‌ملک، هفتکل، آغاچاری وارد اهواز شود، از این سهراب می‌گذرد. همچنین به مکان میدان چهارشیر اهواز اشاره نموده، در این میدان تندیس سنگی از چهارشیر نشسته رو به چهار ورودی شهر (ورودی-های قدیم اهواز) در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است

در داستان «ملکه‌العنب»، به دنبال درخواست بستگان «براعم»، شخصیت اصلی داستان در مورد جابجایی به روستای «شنراق»، که روستایی بزرگ‌تر و توسعه یافته‌تر از «الربایعة» بود، در حالی که خویشاوندان «براعم» آنجا ساکن بودند، او نپذیرفت که روستای خود را ترک کند. دلیل آن از نظر «براعم» چنین بود: «او هرگز فکر نکرد که «الربایعة» را ترک کند و در «شنراق» زندگی کند، او «الربایعة» را دوست داشت و به مردم سرزمین و کشتزار سرسبزش عشق می‌ورزید. این روستا تقریباً بخشی جدایی‌ناپذیر از جسم و روح او بوده است. جدایی از «الربایعة» به معنای مرگ جستجوگر است یا حداقل زندگی بدون آن بی‌معنا است (الکیلانی، ۲۰۱۵: ۱۹۸).

اعتقادات و آداب و رسوم

اعتقادات و باورها تأثیرات متعددی بر رفتارهای انسان می‌گذارند. متون دینی به عنوان اساسی‌ترین منابع همواره الهام‌بخش شاعران، نویسندگان و هنرمندان... بوده است. بر این اساس، تأثیر آیات و احادیث نبوی در ادبیات دینی بسیار عمیق و گسترده است (طغیانی، ۱۳۸۴ش: ۱۵۸). از مهم‌ترین عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس می‌توان به قداست بخشیدن به آرمان‌ها و هدف‌های مکتب ایثار و پایداری اشاره داشت. تقدس بخشیدن یک جهان‌بینی هدف‌های مکتب سبب می‌گردد که افراد به سهولت در راه هدف‌های مکتب، فداکاری و از خود گذشتگی به خرج دهند. تصویری از شهادت‌طلبی و صبر و استقامت در عرصه کارزار دفاع برای رسیدن به پیروزی ضروری است، محمود برای خلق آثاری که بتوان آن‌ها را از نوع هنر مقدس برشمرد، باید از جامعه و تمدنی سخن می‌گفت که نه تنها مراسم مذهبی و مساجد و عبادتگاه‌هایش، بلکه همه ابعاد زندگی‌اش، از سیاست تا اقتصاد، از فرهنگ تا صنعت از اصولی پیروی می‌کنند که از وحی و امر مقدس ناشی شده‌اند.

نجیب کیلانی به عنوان طلایه‌دار رمان‌نویسی اسلامی در مواقعی باورها و اعتقادات روستاییان را موضوع و محرک داستان‌هایش قرار داده است. «مهم‌ترین مناسبت‌ها در روستا، مراسم جشن سالانه شاعر هنرمند است و اعیاد و مراسم مذهبی: شب معراج رسول اکرم (ص) و عاشورا، هجرت پیامبر اکرم (ص) است.» (الکیلانی، ۱۹۸۷: ۷).

مراسم عروسی: در داستان مراسم ازدواج «براعم» و «شیخ محمد» در حالی که زنان در بیرون از شادمانی بر سرشان بانگ می‌زدند، خطبه عقد در مسجد روستا با قرائت قرآن به دست ابومجد انجام شد. همراه او شهردار، بزرگان و واعظان به تناوب شروع به سخنرانی در مورد این مناسبت خجسته نمودند؛ همچنین در مورد احکام شرعی، آداب و رسوم آن صحبت کردند. حاضران صدای دلنشین آوازخوان را می‌شنیدند، مردم روستا شربت می‌نوشیدند، میوه و شیرینی تناول می‌کردند، چهار پایان

ذبح نمودند. در حالی که شیخ محمد و براعم دور می‌شدند، پشت سرشان «مسعده» با چشمان اشک‌بار آن دو را بدرقه می‌کرد. (الکیلانی، ۲۰۱۵م: ۲۰۶).

احمد محمود نیز در طی جنگ و به توصیف مراسم عروسی زیر سایه انواع حملات دشمن پرداخته تا امیدواری مردم در حوادث سخت روزگار را نشان دهد. ترسیمی از لحظات پرمخاطره و تهدیدآمیز زندگی روزمره مردم را نیز در داستان توصیف می‌نماید تا مقاومت مردم در مقابل ناملایمات تاریخ را نشان دهد. سنت‌هایی همچون آئین‌ها و مراسم ازدواج ... آورده شده است. در داستان وقتی راوی در مراسم عقد پسرخاله خود شرکت می‌نماید. میهمانان با هدایا و دسته گل در مراسم حاضر شدند. در فلکه پل سفید، گروهی از مردم کنار رود کارون ایستاده‌اند. انتهای کارون در تاریکی فرو رفته است. (محمود، ۱۳۷۸ش: ۱۲ و ۱۴).

عزاداری (خاک‌سپاری): در داستان «ملکه العنب»، وقتی فرمانده نظامی قصد حمله نیروهای سرکوبگر در مقابل مردم را داشت، در حالی که شهردار معتقد بود: «اهالی روستا هنگام تشیع جنازه جوانی که در جنگ خلیج فارس کشته شده، احساس غم و خشم داشتند، به خاطر فرزند قربانی‌شان، این واقعه امری طبیعی است. این تظاهرات نبوده، بلکه مراسم تشیع جنازه بوده است. اهالی روستا از شدت غمگینی صورت‌شان را سیلی می‌زدند و گریبان‌شان را پاره می‌کردند. با گل صورت‌شان را می‌پوشانند. این مراسم خاک‌سپاری منطقی بود.» (الکیلانی، ۲۰۱۵م: ۴۷) در جایی از داستان، درویش‌های معترض در تظاهرات شروع به تکبیر و تهلیل با صدای بلند می‌کنند، در حالی که فرمان نظامی در منع حرکت آنان بود. حال با توجه به جایگاه تهلیل و تکبیر در تاریخ و آداب و رسوم جوامع اسلامی که از پیشینه‌ای طولانی و جایگاهی مهم برخوردار هستند، معمولاً در آداب و رسوم اغلب کشورهای اسلامی دیده می‌شوند، مثلاً در نمازهای واجب یا مستحب، یا نماز عیدین (فطر و قربان)، نماز بر میت، مناسک حج، در جنگ‌ها، مبارزات و اجتماعات مسلمانان از صدر اسلام تاکنون به شعار رایجی بدل شده است. (پرویزی، ۱۳۸۷ش: ۸۱-۸۲). از آئین‌های عزاداری در منطقه جنوب در وسط اتاق قبا و عبا و... متوفی گذاشته می‌شود، تعدادی از مردم همان منطقه در روز معین با علم سیاه به خانه صاحب‌عزا می‌روند. سبک سنتی مراسم جنوبی از خلوص بیشتری برخوردار و جزو آواها و نواهای اصیل مردمی است. در برهه جنگ بیشتر رنگ حماسه و مبارزه داشته است. یکی از عناصر پایداری در رمان زمین سوخته همانند داستان «ملکه العنب»، صحنه تشیع جنازه جوانی است که پیام‌آور استقامت و شجاعت مردم هر دو خطه است. زمان تشیع «باران» به همراه تعدادی از شهیدان در جبهه دارخوین است. «ننه باران» پشت سر تابوت‌ها حرکت می‌کند، نوار فشنگ حمایل کرده است و آرام قدم برمی‌دارد. در حالی که عکس باران در جلوی یکی از تابوت‌ها چسبیده است. نگاهش مثل این که جان دارد. چپیه، دور گردنش بسته شده است. ننه باران بی‌تابی نمی‌کند. بی‌اینکه کلامی بگوید به

شبهستان مسجد خیره می‌شود... بغض در گلویش گره خورد. چهره ننه باران به سنگ می‌ماند. وانت بار سیاه‌پوشی پشت سر تابوت‌ها است. مرد تنومندی که سر تا پا سیاه پوشیده است در وانت بار ایستاده است. تابوت‌ها به بهشت‌آباد می‌رسند. انبوه آدم‌های سیاه‌پوش در کنار قبرها نشست‌اند. شیون زن‌ها در هم شده است. ناگهان از قطعه شهادت بهشت‌آباد صدای گروهی می‌خواندند: سوسنگرد، ای دشت آزادگان یادآور شهیدان، الله اکبر، توفان فریاد، دریای آدم‌ها را آشفته می‌کند. (محمود، ۱۳۷۸ش: ۲۵۱-۲۵۳).

خرافات

برخی از باورهای مردم در هر جامعه‌ای به طور غیرمنطقی و علمی است و این موضوع منحصر به آیین خاصی نیست. یکی از موضوعات مرتبط با آن رواج عقاید اشتباه و خرافات در میان مردم به ویژه در افکار زنان است که در مواجهه با مراسم عروسی، ازدواج و بیماری‌ها و... مطرح می‌شود. همچنین در داستان «ملکه العنب» زمانی که شیخ ابومجد به نزد بستگان «براعم» به روستای شِراق آمد، جهت رضایت آنان با ازدواج «براعم» و «محمد حسب‌الله» موضوع را مطرح نمود، اما بستگان وی به ازدواج فامیلی و هم‌سطح بودن باور داشتند و پاسخ دادند: «براعم چگونه خارج از پیوند فامیلی می‌خواهد ازدواج کند؟ در فامیل او تعدادی از جوانان تحصیل کرده و برخی تاجران و افراد صاحب‌منصب هستند، او بیشتر از آنان چه می‌خواهد؟ خروج از آن دایره خویشاوندی، یعنی اهانت، قیل و قال به پا خواست. شیخ ابومجد پاسخ داد: اراده بشر آزاد است. آیا از سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) نیست که هیچ اجباری در ازدواج نیست.» (همان: ۱۹۴ و ۱۹۷). کیلانی با شیوه هنرمندانه از جانب شخصیت‌هایی با نقش مثبت باورهای اشتباه مانند هم‌طبقه بودن در ثروت یا ازدواج با خویشاوندان را به عنوان باور واقعی مردم جایگزین شده را به خوبی به نقد می‌کشد، اصل انتخاب همسر را ایمان و پرهیزگاری افراد می‌داند. اعتقاد و باور بی‌اساس یا غیرمعقول که با فرهنگ آمیخته و توسط اعضای اجتماع به عنوان یک امر طبیعی پذیرفته شده است. سنت‌های غلط و خرافات نه تنها سد راه فرآیند توسعه است، بلکه آثار منفی متعددی نیز دارد. تقدیرگرایی از مسائل دیرینه‌ای است که در تمام تمدن‌ها به صورت یک پرسش مطرح بوده است. پیش‌داوری‌های خرافی، سخت‌ترین کار در جهان است. همراه روان‌بسیاری از مردم در هم می‌پیچند که برای رهایی از آن‌ها به نیروی قوی‌تری نیاز داریم و در داستان‌های احمد محمود نیز به تأثیر فقر و جهل و بیکاری نسبت به شناخت واقعیت موجب آن‌ها پرداخته شده است. برای ترس غیرمنطقی از یک چیز ناشناخته و مرموز و خیالی، به خرافه روی آورده بودند. همان‌گونه که نابرابری‌ها در رفتار قشرهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی می‌گذارد، این نابرابری‌ها به همان صورت در نگرش‌های اجتماعی افراد نیز مؤثر واقع می‌شوند (هانینگتون، ۱۳۹۲ش: ۸۲). لذا گسترش دانش بشری در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی به کاهش خرافات و توسعه فردی و اجتماعی می‌-

انجامد. «باورها و رفتارهای عامیانه‌ای که نسل به نسل منتقل شده و جزو عناصر هویت سنتی کسانی در آمده که توان توجیه و منطقی آن‌ها را در برابر نگاه پرسشگر و انتقادآمیز ناظران نکته‌سنج را ندارند.» (موسی پور، ۱۳۹۰، ش ۱۵: ۳۴۰).

وضعیت اقتصادی

از نظر وضعیت اقتصادی و بومی داستان در فضای روستای «الربایعة» جریان دارد. فردی که موجب رونق کشاورزی و محصولات انگور شد، یک دختر روستایی جوان (به نام براعم)، نخستین کسی است که کشت انگور را در سطح وسیع با استفاده از کشاورزی مدرن در این روستا معرفی کرد. تجربه و مهارت خود را در این زمینه به روستای مجاور خود (به نام شِناق) منتقل کرد، پس از آن، همه ساکنان آنجا به این نوع کشت متوسل شدند. «براعم» شروع به کاشت چهار هکتار از زمین زراعی نمود که از پدرش به او ارث رسیده بود. بعد از آن، موفق به اجاره بیشتر زمین‌های کشاورزی شد تا زمانی که به بیش از سی هکتار رساند. برای بهره‌وری بیشتر از محصولات مناسب در کشت و زرع استفاده کرد، همچنین تاریخ برداشت را محدود کرد و با تاجران بزرگ برای رسیدن به بالاترین قیمت به تفاهم رسید. (الکیلانی، ۲۰۱۵م: ۱۰). در اوایل قرن بیستم، فرمانروایان و حکمرانان کشورهای عربی با افزایش جمعیت، اندیشه رشد اقتصادی به عنوان نیروی قدرتمند میان آنان قوت گرفت، زیرا بدون شکوفایی و توسعه اقتصادی ملت نمی‌توانست به استقلال واقعی برسد. زمینه بهبود وضعیت اقتصادی در مصر مورد توجه قرار گرفت، اما وجود جنگ‌های منطقه‌ای و تحولات اجتماعی (به نام بهار عربی) در سه دهه اخیر در وضعیت اقتصادی مصر و کاهش منبع درآمد تأثیرگذار بوده است.

داستان‌های احمد محمود در فضای استان خوزستان جریان می‌یابد. این منطقه موقعیت استراتژیک و اقتصادی ویژه‌ای در سطح کشور دارد. از لحاظ اقتصادی منابع عظیم نفت و گاز، تأسیسات صنایع فولاد و آهن، وجود کشت و صنعت‌های مختلف، زمینه‌های لازم در خصوص پرورش انواع ماهی، وجود امکانات زیر بنایی، دسترسی به آب‌های آزاد و بین‌المللی، هم‌جواری خوزستان با بازارهای مصرف جهانی (کشورهای حاشیه خلیج فارس) حائز اهمیت است. از دیرباز قطب کشت گندم مرغوب ایران بوده است. به جهت آب و هوا و اقلیم منطقه، کشتزارهای بسیاری از غلات کشور در این منطقه قرار دارند. بخش دامداری در تأمین امنیت غذایی و نیاز مواد پروتئینی انسان نقش مهمی در اشتغال و تولید و به تبع آن درآمد و رفاه خانوارهای روستایی ایفا می‌کند. بخش‌های کشاورزی و دامپروری در کشورهای در حال توسعه، از جمله بخش‌های مهم اقتصادی محسوب می‌شوند. (قره باغیان، ۱۳۷۶ش: ۳۴۹-۳۲۴). بحران ناشی از جنگ برای اقتصاد هر کشور در هر نقطه از جهان وضعیت خاصی را ایجاد می‌کند همان‌گونه که محمود در زمین سوخته به پیامدهای اقتصادی در آن برهه زمانی اشاره نموده است دام‌های رها شده از جانب صاحبانشان جمع‌آوری و به وسیله تعداد از اهالی که در منطقه باقی

ماندند در برخی از گاراژهای خالی نگهداری می‌شدند. یکی از اهالی به نام «بابا اسمال» دام‌های رها شده را جمع‌آوری و مراقبت می‌کرد تا از گوشت و لبنیات دام‌ها برای ارتزاق مردم و افراد نیازمند منطقه استفاده شود. (محمود، ۱۳۷۸ ش: ۴۳ و ۱۱۶).

توصیف پوشش

پوشش مردم جنوب در توصیفات احمد محمود زمانی بیشتر رنگ بومی به خود می‌گیرد که مردم نیز برخوردار از یک زندگی سنتی باشند، شرایط آب و هوا و گرمایی که در منطقه ساحلی جنوب ایران وجود دارد، باعث شده مردم از نوع به خصوصی از پوشش استفاده کنند، مانند آنچه در داستان زمین سوخته اشاره نمود: «أم مصدق به پیشانی، عصابه بسته است. چادرش را دور خودش پیچانده است. لب سنگفرش، تو آفتاب نشسته است، در حالی که گونه‌های مکیه (پسرش) از سرما سرخ شده است». پوشش زنان منطقه استان جنوب ایران یا به صورت «عباءة» (چادر عربی) که در بین زنان عرب خوزستانی می‌پوشند، یا نوعی روسری بلند به گونه‌ای با سر بند استفاده می‌شود که می‌توان با توجه به نوع پوشش، به هویت اعتقادی، قومی و شأن و منزلت اجتماعی، اقتصادی و طبقاتی پی برد.

کیلانی در داستان خود، شخصیت‌های مثبت و قهرمان در مورد پوشش، مناسبات و رفتار مرد و زن در راستای شریعت اسلامی طراحی نمود و محدودیت‌هایی در جهت صحت و سلامت روحی روانی آحاد مردم در جامعه متصور بوده تا با امنیت و مصلحت بتوانند به فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بپردازند. در ابتدای داستان کیلانی، شیخ محمد (یکی از شخصیت‌های اصلی داستان) که برای اقامه نماز جمعه به مسجد روستا می‌رفت را چنین توصیف نمود: «او به آرامی راه می‌رفت، در حالی که لباس بلند سفید روشن و پاکیزه و عرقچین بافته شده روی سرش بود... نیروهای امنیتی (مرد بزرگی) را آوردند که عمامه‌ای سبز بر سر داشت.» (همان: ۷۰ و ۷۱). آنچه از نوع پوشش آنان می‌توان پی برد، لباس‌شان شبیه به جبهه بوده که نوعی بالاپوش از لباس‌های سنتی مردم مصر بوده است. «جبهه مردان مصری، لباسی بلند در رنگ‌های مختلف و لباس رو به حساب می‌آمد.» (شرتونی ۱۴۱۶ ق، ۱: ۳۹۱)

پوشش براعم، هنگامی که برای ملاقات وکیل خود به راه افتاد با پوشش اسلامی توصیف کرد: «سارت فی شوارع المدینة متلفعة بعباءة السودا الرقیقة...» (الکیلانی، ۲۰۱۵ م: ۴۹). «عباءة» همان چادر عربی یا نوعی پوشش است که زنان عرب آن را می‌پوشند. این توصیف کیلانی علاوه بر حجاب «براعم»، صداقت بیان توأم با پاک‌ی، نجابت و شجاعت او را تحسین می‌کند.

تحولات سیاسی و اجتماعی

حوادث سیر رمان «ملکه العنب» در زمان رویدادهای سیاسی (۱۹۹۰) در طول تهاجم عراق به کویت است. در قسمت‌هایی از داستان، کیلانی به این موضوع اشاره دارد، از جمله در جایی از رمان

بیان می‌نماید: «در حالی که صداهای رادیو و تلویزیون با فریادها و گفتگوهای توأم شده، همسر ابومجد می‌گوید: «مزمه‌هایی از خارج شنیده می‌شود که عراق با ارتش خود به کویت هجوم برده و آنجا را اشغال کرده است.» اشک از چشمان ابومجد فرو می‌ریزد و بعد از خواندن سوره شمس از قرآن کریم قبل از سپیده‌دم به خیابان‌های روستا می‌رود، زیر چتر شب با صدای آهسته می‌گوید: «ای خفتگان، از خواب عمیق برخیزید. زنده کسی است که نمی‌خواهد. در مشرق زمین، مسلمان، مسلمان را می‌کشد. آسمان از خون بی‌گناهان به رنگ سرخ در آمده است، زمین از آتش جنگ در حال انفجار است. ساختمان‌ها، کارخانه‌ها و مغازه‌ها را مغول غارت می‌کند و آن‌ها را نابود می‌سازد. دختران و زنان بیوه و یتیمان ناله می‌کنند. آیا این نشانه‌های روز قیامت نیست.» (همان: ۱۲۵ و ۱۲۹). می‌توان در نظر داشت این رمان نمونه‌ واقع‌گرایانه از سلسله حوادثی است که در بطن جامعه رخ می‌دهد. کیلانی با توصیف دقیق و بینش روشن مسائل واقعیت روستای الربایع مصر را به عنوان نمادی از تحولات سیاسی و اجتماعی جهان عرب یا کل جهان اسلام به تصویر کشیده که بعد از دو دهه از حیات او می‌توان همچنان بحران‌های منطقه خاورمیانه را مشاهده کرد. همان طور که او معتقد بود در قضایای عربی و دیپلماسی عقب‌مانده حکومت تلاش برای مدارا کردن با رژیم عراق بود، در حالی که چشمانشان را بر فجایع عراق بسته‌اند، خون مصری‌ها به دست بعضی‌ها ارزان ریخته می‌شود. روستای کوچک الربایع در برابر آنچه در سرزمین برادران عراقی اتفاق می‌افتد با شجاعت سیاست قلع و قمع صدامی را محکوم می‌کنند. پس از آن، جنگ با ایران را بیان می‌کند: «من اعتراف می‌کنم، عراق گازهای شیمیایی در جنگ با ایران را برای سرکوبی کردها استفاده کرد، ولی ما از گفتن حقیقت ترس داریم. حقیقتی که روستای اصیل مصری توانست آن‌ها را اعلام کند.» (همان: ۱۳۲-۱۳۳). بازتاب اندیشه کیلانی به موضوع اجتماعی زمان خود در جنگ خلیج فارس در صحبت‌های شخصیت‌های داستانی مشهود است. او در این قسمت از رمان، با شهادت حکومت مصر را برای مساعدت به استبداد نظام صدام حسین در عراق به چالش می‌کشد، این سبک انتقادی وی در کمتر نویسنده عرب در آن برهه زمانی دیده می‌شد. واقع‌گرایی و شجاعت این نویسنده و روح آزادمنشی که در کیلانی وجود داشت، قابل تقدیر است.

احمد محمود نیز بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش چند سال در زندان و تبعید به سر برد. رمان «همسایه‌ها» و «دستان یک شهر» مربوط به این اتفاقات است. محمود از میان نویسندگان صاحب‌نام دوره پیش از انقلاب تنها کسی بود که بنا بر حس مسئولیت و رسالت نویسندگی‌اش اولین رمان با موضوع جنگ نابرابر را به تصویر کشید. او به طور مستقل برای آزاداندیشی و صلح‌دوستی بین ملت‌ها قلم‌زنی کرد و سبک متداول او در معرفی تدریجی شخصیت‌ها و زبان ساده و روان عاری از پیچیدگی ادبی در بیشتر آثار او جلوه‌گر است. دیدگاه بی‌طرف نویسنده به جنگ می‌تواند عاملی باشد که زمین سوخته یکی از مستندترین و رئالیستی‌ترین رمان‌های جنگ تحمیلی محسوب شود، اما به نظر می‌-

رسد، آنچه برای محمود در مرتبه اول اهمیت قرار دارد، روایت تحولات اجتماعی است و عناصر داستان در خدمت این مهم هستند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که «رمان باید به عنوان گاه‌شمار اجتماعی، جامعه زمان خود را بازتاب دهد.» (گلدمن و دیگران، ۱۳۷۷ش: ۱۱۱). بخش گسترده‌ای از ادبیات دنیا، آن دسته از آثاری را تشکیل می‌دهند که در بستر جنگ به وجود آمده و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند. به علت مؤلفه‌های مشترک ادبیات، پایداری می‌تواند در ادبیات جنگ دنیا به خوبی مطرح شود و نقش مهمی در جهت ترویج فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس ایفا کرده است.

اعتیاد و قاچاق

پدیده مواد مخدر به عنوان یک مشکل ملی برای بسیاری از کشورهای جهان مطرح است. کمتر کشوری را می‌توان یافت که درگیر این معضل نباشد که موجب بروز جرائم مختلف می‌شوند، تمام بخش‌های جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و توسعه پایدار انسانی را مخدوش می‌سازد. نجیب کیلانی در داستان خود این معضل اجتماعی را در نقش افراد شرور به تصویر کشیده است. برخی تنها اعمال مجازات قانونی را برای مجرمین راه‌حل مبارزه با مصرف مواد مخدر و الکل می‌دانند، اما کیلانی توصیه‌های اخلاقی را از طریق شخصیت‌هایی همچون شیخ محمد و ابومجد نشان می‌دهد. هر جایی که افرادی با شخصیت شرور مانند «عَوْضُ الْعُوضِ» و «الرَاعِی كَشْکَل» و دوستان آنان به مشکلی برمی‌خورند، شیخ محمد و ابومجد در نقش موعظه‌گر با استفاده از آموزه‌های دینی و اخلاقی به درمان این مشکل می‌پردازد. زمانی که جسد «السلامونی» در کانال آب کشف شد، مردم در مورد این راز قتل صحبت می‌کردند. از ابومجد درباره این موضوع پرسیدند ابومجد پاسخ داد: «هنگامی که مردم به شرع خدا احترام نمی‌گذارند، ایمانشان ضعیف می‌شود؛ و هر چیزی برای‌شان مباح می‌شود، همچون سرقت، زنا، قتل، تهمت، رشوه... از او پرسیده شد: علاج چیست؟ او گفت: صدا بزنی در تاریکی‌ها، گوینده‌ای که می‌گوید: خدای جز پروردگار عالمیان نیست. خدایا، تو پاک و منزّه هستی؛ قطعاً من از ستمگران هستم.» (الکیلانی، ۲۰۱۵م: ۲۹، ۷۸).

بزهکاری‌های اجتماعی از جمله: اعتیاد، قاچاق، سرقت، فحشاء و... مشکلات جدی جوامع امروزی دارای ابعاد مختلفی است. در این راه پیشگیری از جرائم راه مؤثر و طولانی مدت است. از جمله می‌توان به بُعد معنوی آن اشاره نمود. کیلانی همچون پزشکی آسیب‌های اجتماعی که موجب مریض شدن جامعه می‌شود به خوبی می‌شناسد و درمان آن را رجوع به آموزه‌های دینی و سنت رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌داند. همانطور که در صحبت شخصیت‌های داستان نویسنده مشخص می‌باشد.

احمد محمود در شرایط بحران جنگ به وضعیت آدم‌های گوناگون در داستان می‌پردازد. آدم‌هایی با خصلت‌های منفی همانند، شخصیت «مهدی پاپتی» صاحب قهوه‌خانه روزی‌اش را با فروش و قاچاق

تریاک و شیربه به دست می‌آورد. مهدی پاپتی زندگی سختی را پشت سر گذاشته و چندین بار زندان رفته است. شخصیت دیگر «رستم افندی» تصویری خمیده در حالی که غر می‌زند و به زمین و زمان بد می‌گوید در جستجوی سوخته به قهوه‌خانه مراجعه می‌کند (محمود، ۱۳۷۸ ش: ۲۳۴ و ۲۴۷). آسیب‌های اجتماعی، پدیده‌هایی گوناگون، نسبی و متغیرند. اعتیاد و قاچاق مواد مخدر نمونه‌هایی از آسیب‌های اجتماعی است که روز به روز بر دامنه و عمق مسأله اعتیاد در ایران افزوده می‌شود.

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در ارتباط با شناخت علمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های حاکم بر تحول مسائل در جامعه و به‌کارگیری یافته‌های علمی در فرآیند برنامه‌ریزی اجتماعی را باید در نظر داشت. همچنین در رابطه با مواد مخدر، شناسایی دقیق آن‌ها، طبقه‌بندی آن، تحت یک مطالعه علمی برای حل این مشکل ضروری به نظر می‌رسد (محمدیان و عباسی، ۱۳۸۵ ش: ۱۸۰). تقویت عوامل اقتصادی و فرهنگی و آموزشی نقش بسزایی در پیشگیری از اعتیاد در جامعه دارد.

بیکاری و مهاجرت

بحران‌های اقتصادی در هر دوره‌ای تأثیر متقابلی در پدیده‌هایی نظیر بیکاری و مهاجرت دارد. محرومیت و فاصله زندگی شهری و روستایی، عدم آگاهی و بهره‌مندی از آموزش، عدم امکانات بهداشتی و درمانی باعث گردیده است که بخش زیادی از مردم جهت برخورداری از رفاه شهری، یافتن کار و درآمد بیشتر و سایر مزایای شهری تصمیم به مهاجرت بگیرند. رشد فناوری نیز به دلیل دیدگاه انسان‌محوری و بر اساس پیشرفت و آسایش بشر صورت گرفت؛ اما به تدریج خود به یکی از مشکلات و مسائل جدی تبدیل شد. به گونه‌ای که موجب بیکاری کشاورزان و مشکلات زیست‌محیطی به ویژه اکولوژیکی شده است. در ادامه، کیلانی نیز در قالب داستان به این معضل اجتماعی اشاره می‌نماید: «بحث از فرصت‌ها برای کار در خارج مصر بخصوص دولت‌های خلیج فارس و کشورهای دیگر در آرزوهای مصریان، متمرکز می‌شود. درآمد حاصل شده به کشور ارسال می‌شود؛ در ساختن منزل یا ازدواج پسر و دختر، یا کار مشروع تجاری یا صنعت کوچک، زمین‌های کشاورزی کوچک نسبت به تعداد ساکنان وجود دارد.» (الکیلانی، ۲۰۱۵ م: ۱۰۸). نفوذ ارزش‌های کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه باعث آرزوهای جدید در بین مردم این کشورها می‌گردد. در جهت نیل به این آرزوها است که جابجایی‌های جمعیتی به شهرهای بزرگ یا کشورهای دیگر صورت می‌گیرد. در بررسی علت اصلی مهاجرت جوانان مصری برای اشتغال و آزادی عقیده بیشتر است؛ همان طور که نویسنده برای طرفداری از حزب اخوان المسلمین به اجبار از کشور خود مهاجرت کرد. حدود ۲/۵ میلیون نفر از جمعیت مصر برای اشتغال به کار به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند که اکثر آن‌ها در کشورهای عربی و هم‌جوار و خصوصاً در کشورهای حوزه خلیج فارس سکنی گزیده‌اند. تعدادی هم به

دیگر کشورها، از جمله کشورهای اروپایی و آمریکا رفته‌اند. (سازمان اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۹۱ش: ۳۷).

در داستان احمد محمود، مهاجرت یکی از عوامل تغییر دهنده در عوامل اقلیمی و اقتصادی و اجتماعی است. در نیمه اول دهه ۱۳۶۰ش، بخش قابل توجهی از جمعیت مناطق جنگی از خانه و کاشانه خود کوچ کرده و حتی برخی از آنان به خارج از استان خود مهاجرت کردند. بدیهی است از یکسو ترکیب سنی جمعیت در مبدأ و مقصد در اثر مهاجرت در دو جهت مختلف است. بدون برنامه‌ریزی در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور مشکلاتی برای مهاجران جنگی به وجود می‌آید و از سوی دیگر، مهاجران به ناچار در اردوگاه و پناهگاه‌ها در شهرها و مناطق امن ساکن می‌شدند تا پس از شرایط سخت زندگی، اقامتگاه مناسبی برای آنان تهیه شود. در داستان زمین سوخته به مهاجران جنگی به طور بارز اشاره شده است. این رمان را می‌توان یکی از اولین طیف آثار ادبیات مستقل نام برد که محمود مشکلات و مصائب مردم خوزستان را در زمان حمله عراق به ایران بدون شعار دادن و قهرمان‌پردازی با رعایت فاصله زمانی و تأثیر این وضعیت برای خواننده روی کاغذ می‌آورد. او خود زاده جنوب بوده و از نزدیک تبعات جنگ، ویرانی شهر و قربانی شدن مردم و آوارگی به شهرهای دور و نزدیک و سرانجام شهید شدن برادرش را شاهد بود. او در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: «خانواده‌ها عده‌ای در اردوگاه بودند، عده‌ای هم مهاجرت کردند... مردم شهرهای دیگر نمی‌توانستند حس کنند که چه اتفاقی افتاده است» محمود و خانواده‌اش مستقیماً این درد را حس می‌کردند. بخصوص که در همان سه ماه اول بود که برادرش کشته شد. این بود که از تهران راه افتاد و به جنوب شهر اهواز، سوسنگرد و هویزه رفت. درد او این بی‌حسی و بی‌تفاوتی مناطق دور از جنگ بود. او می‌خواست لاقلاً مناطق دیگر مملکت بفهمند که چه اتفاقی افتاده است. همین فکر او را وادار کرد که زمین سوخته را بنویسد. محمود آن را نوشت و از آن هم استقبال شد. سی و سه هزار نسخه در دو چاپ پی‌درپی انتشار یافت. وقتی زمین سوخته درآمد، مثل باقی کارهای کم دربارهاش پرداختند. کسانی هم که نوشتند، منتقد آثار او بودند تا به مفهوم محتوای آن بپردازند. (گلستان، ۱۳۹۷ش: ۱۶۰-۱۶۲). می‌توان چنین استنباط نمود، در چهار دهه اخیر، وقوع جنگ ایران و عراق، مهاجرت مردم مناطق جنوبی به شهرهای اطراف از یک طرف و افزایش تغییرات اقلیمی و آب و هوای کره زمین، وقوع طوفان‌های گرد و غبار از طرف دیگر، یکی از مهم‌ترین علل مهاجرت نخبگان (نیروی کار متخصص و سرمایه‌داران) از استان خوزستان به استان‌هایی که وضعیت جوی مساعدتری دارند، بوده یا مهاجرت به کشورهای خارج به این دلایل افزایش یافت.

نتیجه‌گیری

نجیب کیلانی همان‌گونه که عنوان رمان «ملکه العنب» از شخصیت زن جوانی با نام «براعم» برگرفته است. وی از شخصیت‌های اصلی رمان و از قید و بند سنت‌های غلط رها نیست. البته مشارکت شخصیت اصلی زن داستان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با در نظر داشتن فرهنگ بومی و اجتماعی از منطقه خود نویسنده، ترسیم شده است. همچنین در رمان «زمین سوخته» احمد محمود، یکی از شخصیت‌های اصلی زن رمان به نام «ننه باران» فردی انقلابی و ظلم‌ستیز و در پی عدالت است. او نقش اجتماعی می‌پذیرد، اسلحه به دست می‌گیرد و در آشوب جنگ از شهر محافظت می‌کند. او در هنگام شهادت تنها فرزندش نیز استوار می‌ماند.

کیلانی به عنوان پزشک، مسائل مردم را که مانند بیماری بدنه اجتماع را در برگرفته به خوبی می‌شناخت. او در داستان «ملکه العنب» به حیات اقتصادی و پیشرفت کشاورزی و توسعه روستا اشاره نمود. در داستان احمد محمود به اوضاع جامعه، برای بیان مسائل و مصائب مردم در قالب داستان و ادبیات اقلیمی و بومی برای بارز نمودن این مشکلات، به طور مناسب پرداخته شد. از مهم‌ترین نتایج آن، شناخت ویژگی‌های اقلیم جنوب در برهه مهم جنگ است.

نجیب کیلانی و احمد محمود هر دو نویسندگانی آزاداندیش بودند که شهامت نوشتن را داشتند. در طول این مسیر چندین سال در زندان تفتیش عقاید و تبعید به سر بردند. ضمن پرداختن به ادبیات بومی و روستایی که متأثر از منطقه زندگی دو نویسنده است، آشکار نمودن واقعیت‌ها و تحولات با پیامدهای آن در لابه‌لای گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستان مشهود است. اهمیت توجه به اقلیم، زمانی آشکار می‌شود که اگر وضعیت روستاهای جوامع اسلامی توسعه یابد، بسیاری از مشکلات اشتغال، مهاجرت مردم روستا به شهرها و عدم توسعه و پیشرفت حل می‌گردد.

منابع

پرویزی، رسول. (۱۳۸۷ش). *قصه‌های رسول*، چاپ اول، تهران: نشر آئینه جنوب.
تکیه‌ای، مهدی. (۱۳۷۵ش). *مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (مصر)*، چاپ اول، تهران: انتشارات: وزارت امور خارجه.

جعفری، محمد. (۱۳۸۲ش). *ادبیات اقلیمی*، چاپ دوم، تهران: نشر ماه ادبیات و فلسفه.
حلمی القاعد، محمد. (۱۹۹۴م). *الواقعیة الإسلامیة فی روایات نجیب الکیلانی*، الرياض-السعودیة: منشورات رابطه الادب الاسلامی العالمیة.

سازمان اطلاعات جغرافیایی، (۱۳۹۱ش). *جغرافیای کشورهای جهان*، تهران: سازمان اطلاعات جغرافیایی نیروهای مسلح.

- شرتونی، سعید. (۱۴۱۶ق). *أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، جلد ۱، تهران، ناشر: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریة، دار الاسوة للطباعة و النشر.
- شیری، قهرمان، (۱۳۸۷ش). *مکتبهای داستان نویسی در ایران*. چاپ اول، تهران: نشر چشمه.
- العربی، عبدالله بن صالح. (۲۰۰۵م). *الإتجاه الإسلامی فی أعمال الکیلانی القصصیة*. الرياض - مملكة العربیة السعودیة: دارکنوز
- قره باغیان، مرتضی. (۱۳۷۶ش). *اقتصاد رشد و توسعه*، ج: اول، چاپ اول، تهران: نشرنی.
- الکیلانی، نجیب. (۱۹۸۷م). *لمحات من حیاتی، المجلد الأول، الطبعة الثانیة*، بیروت-لبنان: مؤسسه الرساله.
- ، (۲۰۱۵م). *ملكة العنب، القاهرة - مصر: مطبعة الصحوة، الطبعة الأولى*.
- گری، مارتین. (۱۳۸۲ش). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه منصوره شریف زاده، تهران- ایران، چاپ اول، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلدمن، لوسین و دیگران. (۱۳۷۷). *در آمدی بر جامعه شناسی ادبیات*، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول، تهران: نقش جهان
- محمود، احمد. (۱۳۷۸ش). *زمین سوخته*. چاپ سوم، تهران: انتشارات معین.
- موسی پور، ابراهیم. (۱۳۹۰ش). *خرافات*، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۷۷ش). *صد ساله داستان نویسی ایران*، ج ۳، تهران، نشر چشمه، چاپ اول
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۹۲ش). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علم.

مقالات

- طغیانی، اسحاق. (۱۳۸۴ش). «تأثیر متقابل فرهنگ و ادبیات»، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه
- سیستان و بلوچستان، پژوهشنامه ادب غنایی، سال سوم، شماره ۴: صص ۱۵۸-۱۵۷.
- محمدیان، مهرداد؛ عباسی، کاظم. ۱۳۸۵ش. «بررسی جرایم مرتبط با مواد مخدر و اولویت بندی عوامل مؤثر بر آن‌ها»، دانشگاه آزاد خلیل، علوم اجتماعی، شماره ۱۱، ص ۱۸۰.

منابع لاتین

- M.H, Abrams, (2009), A Glossary of Literary Terms, 9th edition, Boston: Michael Rosenberg, p107.
- chris, Baldick (1990) The concise oxford Dictionary of literary trans , 1 ed. oxford university , p142.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: کریمی زهرا، سپهری سپیده، شمالی اسکویی آرزو، حاجیها الهه، بررسی تطبیقی نظریه «احساس حقارت» و شیوه‌های مقابله با آن براساس روانشناسی فردگرای آدلر در اشعار شاعران زن ایران و عرب (سیمین بهبهانی، غاده السمان)، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۶۷، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۳۸۰-۴۰۲.